



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن  
موضوع جزئی: عنوان بحث - نسبت بین تورم و کاهش ارزش پول

تاریخ: ۱۸ مهر ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۵

جلسه: ۱

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### عنوان بحث

عنوان بحث روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن است. این عنوان در موارد بسیاری با عنوان تورم یکسان دانسته می‌شود؛ در مواردی به جای هم استعمال می‌شوند. ما فعلاً وارد این بحث که آیا این دو عنوان مساوی و مرادف هم هستند یا نسبت بین آنها غیر از تساوی است، تفصیلاً نمی‌شویم. این بعد از تبیین مسأله تورم و همچنین کاهش ارزش پول میسر است. اما آنچه که اجمالاً در این مقام می‌توانیم بگوییم، این است که به معنای دقیق کلمه اینها مساوی و مرادف نیستند؛ هر چند با مسامحه می‌توانیم اینها را یکسان بدانیم، چه اینکه برخی در مورد تورم گفته‌اند عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها. ما بعداً اشاره خواهیم کرد که برای تورم، تعاریفات متعددی ذکر شده است، اما آنچه در همه اینها وجود دارد همین مطلبی است که اشاره کردیم: افزایش سطح عمومی قیمت‌ها. بنابراین با اینکه شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی برای تورم ذکر شده، اما این عنصر و این قدر جامع همه تعاریفات است.

بر این اساس، کاهش ارزش پول هم یک امری است ملازم با تورم، نه عین آن. برخی اینجا تعبیر کرده‌اند تورم و کاهش ارزش پول دو روی یک سکه هستند، یعنی هر دو به یک حقیقت برمی‌گردند، ریشه هر دو یکی است؛ ولی در عین حال تفاوت دارند. تعبیر دو روی یک سکه اشاره به همین جهت دارد. یا مثلاً برخی تعبیر کرده‌اند مهم‌ترین بخش تورم، کاهش ارزش پول است، اما مساوی با آن نیست؛ یعنی تورم به یک مجموعه‌ای از امور برمی‌گردد یا اطلاق می‌شود که شاید مهم‌ترین آنها کاهش ارزش پول باشد. بنابراین عنایت بفرمایید اگر بخواهیم دقیق نسبت این دو را بیان کنیم، از نظر علمی و فنی اینها را با هم بسنجیم، حتماً نسبت اینها تساوی نیست، از نظر مفهومی و حتی واقعیت خارجی، اینها با هم متفاوت هستند؛ حالا ممکن است بگوییم نسبت بین اینها اعم و اخص مطلق است، یعنی تورم اعم است از کاهش ارزش پول؛ اما در نگاه عرفی که با مسامحه همراه است، این دو را یک امر می‌دانند؛ در بسیاری از نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و مقالات و کتاب‌ها، اینها را به جای هم استعمال می‌کنند؛ تورم گاهی به جای کاهش ارزش پول به کار می‌رود و گاهی برعکس است.

این را من از این جهت عرض کردم که توجه داشته باشید ممکن است ما در ادامه گاهی از واژه تورم استفاده کنیم، گاهی کاهش ارزش پول؛ لذا توجه شما را به این نکته خواستم جلب کنم که اینها در تلقی عرفی یکسان هستند اما از نظر علمی و فنی نمی‌توانیم اینها را یکسان بدانیم، حقیقتاً با هم متفاوت هستند. حالا اینکه نسبت دقیق اینها چیست، آیا مثلاً کاهش ارزش پول اثر تورم است یا مثلاً یک بخشی از تورم محسوب می‌شود، این مطلبی است که در آینده روشن خواهد شد.

### معنای اجمالی کاهش ارزش پول

بعد از بیان این عنوان، نوبت به معنای کاهش ارزش پول می‌رسد؛ ارزش پول کاسته می‌شود یعنی آن ارزشی که برای پول در

نظر گرفته شده، کم می‌شود؛ ما یک بحثی را راجع به حقیقت پول ان شاء الله مطرح خواهیم کرد، مراحلی که پول طی کرده تا به اینجا رسیده، کارکردها و وظایف پول که ما در سال گذشته در بحث از رمز ارزها به آن اشاره کردیم؛ اینجا انظار مختلفی وجود دارد اما عمده این است که برای پول دو وظیفه و کارکرد اصلی بیان کرده‌اند. یکی اینکه وسیله پرداخت است و دیگر اینکه وسیله ارزش است؛ هم با آن پرداخت صورت می‌گیرد و هم یک معیاری برای ارزش تلقی می‌شود. بالاخره ارزش هزار تومان در پنجاه سال پیش با ارزش هزار تومان در این زمان اصلاً قابل مقایسه نیست؛ یعنی به لحاظ هر یک از کارکردهای پول شما اگر مسأله را بررسی کنید، هم به لحاظ ذخیره ارزش و هم به لحاظ وسیله پرداخت و هم به لحاظ خود ارزش گذاری، کاملاً متفاوت شده است. ارزشی که هزار تومان در پنجاه سال قبل داشت، امروز ندارد؛ هزار تومانی که پنجاه سال قبل چه بسا با آن یک ماشین می‌خریدید، امروز حتی یک عدد نان هم نمی‌شود با آن خرید.

کاهش ارزش پول از عناوین و مطالبی است که حتی کم اطلاع‌ترین مردم هم آن را درک می‌کنند؛ بی‌سواد هم معنای آن را می‌فهمد؛ کاهش ارزش پول یک چیزی است که با زندگی تمام مردم عجین شده و با گوشت و پوست‌شان این را لمس می‌کنند. لذا یک مفهومی است که کاملاً معنای آن روشن و سهل است، و در عین حال وقتی وارد بحث‌های فنی آن می‌شویم، یک پیچیدگی‌هایی هم دارد؛ مخصوصاً وقتی سخن از جبران این کاهش به میان می‌آید.

بنابراین عنوان کاهش ارزش پول بسیار روشن و واضح است و در این مجال نیازی به توضیح یکایک این واژه‌ها نیست تا ما بخواهیم مفاد اجمالی آن را بدانیم. بله، خود پول یک بحث مبسوطی دارد؛ خود تورم یا کاهش ارزش پول یک بحث مفصلی دارد و ما باید اینها را در بخش موضوع شناسی دنبال کنیم، چون نتیجه و پاسخ به این پرسش که آیا جبران این کاهش لازم است یا نه، متوقف بر موضوع شناسی است. حداقل در یکی از روش‌هایی که برای استنباط حکم شرعی در اینگونه بحث‌ها می‌توانیم به آن تکیه کنیم، موضوع شناسی جایگاه مهمی دارد. بله، ممکن است از یک راه دیگری هم بتوانیم به کار استنباط حکم بپردازیم، آن را ان شاء الله بعداً شاید اشاره کنیم. اینکه حقیقت پول مخصوصاً پول امروزی چه چیزی است، در بیان حکم شرعی بسیار مهم است؛ شما می‌بینید بسیاری از اختلاف نظرها در باب لزوم جبران یا عدم جواز جبران کاهش ارزش پول، تابع نوع تلقی آقایان از حقیقت پول است. مثلاً اینکه پول مثلی است و در مثلثات ضمان فقط متوجه به مثل است؛ اگر کسی مثلاً گفت اسکناس مثلی است، پول امروزی مثلی است، معنایش این است که مثل این را ضامن است که به مالک یا به قرض‌دهنده یا به صاحب مهریه بپردازد. طبق این مبنا، اگر به نوعی بخواهد این کاهش را جبران کند، این ربا می‌شود؛ خیلی از آقایان اینطور گفته‌اند. این مهم است که ما ببینیم آیا پول مثلی است یا قیمی. این تازه یک مسأله بسیار ساده در مورد اسکناس و پول امروزی است؛ اینجا مسائل و موضوعات دیگری هم مطرح است که باید به آن پرداخت. شناخت ماهیت پول مهم است؛ اینکه تورم چیست و چگونه حاصل می‌شود، آیا انواع دارد یا نه، آیا بین انواع تورم تفصیل هست یا نه، این مبتنی بر شناخت ماهیت تورم و حقیقت کاهش ارزش پول است. شما می‌بینید بعضی‌ها در همین بحث، یعنی لزوم کاهش جبران ارزش پول یا عدم جواز آن، قائل به تفصیل شده‌اند بین تورم شدید و تورم خفیف. حالا ما به انظار هم اشاره خواهیم کرد.

### **هدف اصلی بحث**

هدف ما در این بحث عمدتاً معطوف به ضمان کاهش ارزش پول است؛ اینکه آیا ضامن هستیم یا نه؛ اینکه آیا ارزش پول کاهش پیدا کرد، اینجا ضمان ثابت می‌شود؟ یعنی باید این کاهش را جبران کند یا نه؟ گستره این بحث بسیار فراخ است و این اهمیت این مسأله را می‌رساند؛ این مسأله یکی از مسائل بسیار مهم و مبتلابه و واقعاً تعیین کننده در زندگی بشر امروز است؛

هم از منظر دینی و هم از منظر اقتصادی. حالا خواهیم رسید که این موضوع امروزه مورد توجه دولت‌ها و اقتصاددانان و مراکز علمی قرار گرفته و نظام‌هایی را برای جبران کاهش ارزش پول پیشنهاد کرده‌اند. الان همین چیزی که ما هر ساله شاهد هستیم و آن مسأله افزایش دستمزدها است؛ هر سال هم دولت و هم شورا‌هایی که مربوط به کارگران هستند یک جلسه‌ای می‌گیرند و میزان افزایش دستمزدها را تعیین می‌کنند؛ این در زندگی همه تأثیر دارد، مخصوصاً آنهایی که دارای حقوق ثابت هستند. حالا به طور متعارف اگر تورم مثلاً یک تورم نه چندان شدید باشد و مثلاً متوسط باشد، می‌گویند امسال ده یا بیست درصد به حقوق کارمندان و کارگران اضافه شود؛ گاهی بین کارگران و کارمندان هم تفاوت می‌گذارند. اما این یک نظام جبران کاهش ارزش پول است؛ وقتی تورم مثلاً بیست درصد باشد، اگر بیست درصد حقوق‌ها را افزایش بدهند، می‌خواهند قدرت خرید مردم را در سال جاری حفظ کنند. فرض کنید اگر تورم پنجاه درصد شد، یا ارزش پول به همین اندازه کاهش پیدا کرد، یا کمتر یا بیشتر، و افزایش دستمزدها بیست درصد بود، اینجا آن کاهش تا حدودی جبران شده ولی همه آن جبران نشده است. این بحث‌های مبسوطی را طلب می‌کند که در جای خودش به آن رسیدگی می‌کنیم.

من این را عرض کردم که بدانید مسأله کاهش ارزش پول و تورم آنچنان مهم است که ذهن اندیشمندان و اهل فن را درگیر خودش کرده است؛ سیاستمداران و حکمرانان را به این وادی کشانده که چاره‌ای بیندیشند برای جبران کاهش ارزش پول و بالطبع فقیهان هم وارد این ماجرا شده‌اند و باید بشوند؛ به عنوان یک واقعه و حادثه‌ای که در دنیای امروز اتفاق افتاده، قهراً موضع فقه و فقها، موضع شریعت باید معلوم باشد. آیا ما شرعاً ضامن هستیم؟ یعنی هر کسی که به نوعی در این دخیل است؛ این یک مسأله چند وجهی دارد. اگر مثلاً دولت در این امر دخیل باشد؛ الان کاری که دولت‌ها می‌کنند و این خودش یکی از عوامل تورم است، چاپ پول یا خلق پول است؛ یکی از عوامل اصلی تورم، خلق پول است. وقتی حجم زیادی از پول را روانه بازار می‌کنند در حالی که پشتوانه‌های لازم فراهم نشده، این موجب کاهش ارزش پول می‌شود، این موجب تورم می‌شود. اینجا پرسش این است که آیا حاکم و دولت و حکومت ضامن است یا نه. وقتی از ارزش اموال و پول‌های مردم کاسته می‌شود و مثلاً نقش اصلی را حکومت داشته باشد، اینجا اولین پرسش این است که آیا حکومت ضامن است یا نه. این یک طرفه نیست، حتی در جانب عکس هم همینطور است؛ ممکن است مردم یک قراردادهایی با حکومت داشته باشند؛ آیا مردم هم وقتی از اموال عمومی بهره‌مند می‌شوند — به صورت قرض یا هر چه که اسمش را بگذاریم — اینها هم ضامن هستند وقتی ارزش پول کاسته می‌شود؟

### **اهمیت و گستره بحث**

اگر بخواهیم بسترهای حضور این موضوع را در ابواب مختلف فقهی نام ببریم خیلی زیاد است؛ در همین قرض که مثال زدیم. یک کسی پنج سال پیش از شخصی یک میلیون تومان قرض گرفته است؛ الان فرض کنیم ارزش پول به یک پنجم رسیده است؛ یعنی آن یک میلیون تومانی که پنج سال پیش با آن شما می‌توانستید یک کالایی را خریداری کنید یا خدمتی در مقابل آن بگیرید، الان باید پنج میلیون تومان بدهید تا همان کالا را بخرید. آیا این دائن حق دارد از مدیون مطالبه جبران کاهش ارزش پول را کند؟ الان موقع پرداخت باید همان یک میلیون تومانی را که قرض گرفته باید بدهد یا الان باید مثلاً پنج میلیون تومان بدهد؟

در باب نکاح و مهریه همین پرسش مطرح است؛ کسی که یک عددی را پنجاه سال پیش به عنوان مهریه قرار داده، ... حالا حساب زمین و امثال آن فرق می‌کند؛ اما کسی که مثلاً پنجاه سال پیش یک میلیون تومان به عنوان مهریه قرار داده، امروز هم

همان را باید پرداخت کند یا اینکه مطابق با ارزش روز باید آن را پرداخت کند؟

در مسأله نفقه جای این پرسش هست؛ کسی پنج سال پیش محکوم به پرداخت نفقه شده است؛ گفته‌اند تو باید ماهانه مثلاً صد هزار تومان به عنوان نفقه پردازی؛ این شخص از پنج سال پیش یا دو سال پیش دارد این مبلغ را می‌پردازد، آیا امروز هم باید همان را بپردازد یا کاهش ارزش پول را در نظر بگیرد و آن را افزایش بدهد و به نوعی آن را جبران کند؟

در باب دیه، مثلاً کسی پنج سال قبل محکوم به دیه شده؛ ارزش دیه در پنج سال قبل چه بوده و الان چه مقدار است. آیا باید همان مبلغ را بپردازد یا به قیمت روز باید محاسبه کند؟

در باب خمس، آیا در محاسبه سود که خمس آن را باید بپردازد، تورم و کاهش ارزش پول لحاظ می‌شود یا نه؟ اگر ما این را لحاظ کنیم، کسی که سال گذشته یک میلیون داشته، فرض بفرمایید در طول یک سال دویست هزار تومان سود کرده است؛ تورم هم بیست درصد بوده و مثلاً مؤونه‌ای نداشته و از جایی مؤونه‌اش فراهم شده باشد، آیا این دویست هزار تومانی که این شخص تحصیل کرده و درآمد او بوده، سود محسوب می‌شود و فایده و منفعت تلقی می‌شود تا خمس به آن تعلق بگیرد؟ اگر فرض کنید ارزش پول بیست درصد کاهش پیدا کرده باشد، کسانی که قائل به لزوم جبران هستند، می‌گویند نباید خمس بدهد مطلقاً. آنهایی که می‌گویند باید مطلقاً جبران شود، می‌گویند این شخص سود نکرده است؛ اسماً درست است که دارایی او یک میلیون و دویست هزار تومان شده، اما حقیقتاً ارزش آن مثل سال گذشته است. اما کسانی که قائل به عدم جبران هستند و می‌گویند باید خمس بدهد.

همین سؤال و پرسش در دارایی‌های مخمس مطرح می‌شود؛ فرض کنید کسی با پول مخمس کالایی را برای فروش خریده و حالا قیمت سوقیه آن افزایش پیدا کرده و این در اثر کاهش ارزش پول بوده، یعنی مساوق و مساوی با آن بوده؛ آیا این ارتفاع قیمت سوقیه سود محسوب می‌شود یا نه؟ وقتی تورم مثلاً بیست درصد باشد و قیمت این زمین یا کالا بیست درصد افزایش پیدا کرده، آیا این ارتفاع قیمت مشمول خمس می‌شود یا نه؟

در باب زکات و در باب مضاربه همین مسأله قابل طرح است. در ابواب مختلف فقهی این مسأله طرح می‌شود. اگر کسی مثلاً یک سرمایه و پولی را برای کار کردن در اختیار دیگری گذاشت تا از سود حاصل استفاده کند، فرض کنیم پنجاه در اختیار دیگری گذاشت برای مضاربه؛ حالا در این یک سال فرض کنید ارزش این پول سی درصد کاهش پیدا کرده یا به تعبیر دیگر تورم سی درصدی داشتیم، آیا در هنگام محاسبه و بازگرداندن آن سرمایه، همان پنجاه میلیون را باید بدهد یا باید سی درصد افت پول را هم محاسبه کند و بپردازد؟

در باب ارث این پرسش مطرح است. اینها در مواردی است که خیلی ساده و بین همه مردم جریان دارد. شما این را بیاورید در سطح مناسبات بزرگتر و بین شرکت‌ها و افراد، بین دولت‌ها و افراد؛ قراردادهای و تعهداتی که بین اینها اینجا می‌شود، آیا اینها با ملاحظه این ضمان است یا بدون آن؟

لذا این بحث، بحث بسیار مهمی است؛ دامنه بسیار وسیعی دارد و این مبنا در همه این مواردی که ما عرض کردیم تعیین کننده است؛ در قرض، مضاربه، ارث، ضمان، نکاح، دیه و سایر امور. پس این بحث بسیار مهمی است.

### بحث جلسه آینده

من امروز عمدتاً راجع به عنوان و تفاوت این دو عنوان شایع و اهمیت آن خواستم مطالبی را عرض کنم؛ یکی دو مطلب دیگر هم می‌خواستم بگویم ولی وقت گذشته است. اینکه آیا این یک موضوع مستحدث است یا از قدیم بوده است؟ تورم و کاهش

ارزش پول آیا از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود؟ یعنی در همین صد سال یا دویست سال اخیر پیدا شده یا اینکه از قدیم هم جوامع انسانی گرفتار یک چنین موضوعی بوده‌اند؟ این خودش خیلی مهم است.

### لزوم حمایت از فلسطین از منظر دینی و انسانی

چند جمله هم راجع به مسأله فلسطین بگویم؛ واقعاً نمی‌شود این ماجراها را انسان شاهد و سکوت کند. من از جنبه دینی نمی‌خواهم سخن بگویم که اساساً از نظر دینی تکلیف ما در این شرایط چیست. اینکه آن سرزمین برای مسلمانان سرزمین مقدسی است، قبله اول مسلمین است، سرزمینی است که پیامبران الهی در آنجا مبعوث شده‌اند و مردم را به توحید دعوت کرده‌اند. آن سرزمین مقدس این چنین در معرض تاخت و تاز کفار قرار گرفته است. وظیفه ما از جهت دینی و اسلامی یک مقوله‌ای است که باید به آن پرداخت. از جهت انسانی ما یک تکالیف و وظایفی داریم؛ واقعاً کسانی که دارند این جنایات را مرتکب می‌شوند، نگاهشان به مردم غزه و فلسطین این است که اینها یک عده حیوان وحشی هستند؛ در صحبت‌هایی که وزیر اسرائیلی صریحاً اظهار کرده، می‌گوید اینها حیوانات انسان‌نما هستند. آن صفتی که در خودشان وجود دارد، به مردم بی‌گناه غزه و فلسطین نسبت می‌دهند؛ آنها وحشی هستند و حیواناتی هستند که خوی درندگی دارند و ۷۰-۸۰ سال است که دارند جنایت می‌کنند، تخریب اموال، غصب سرزمین و خانه‌ها، کشتن بی‌گناهان، زندانی کردن جوانان، اینها کم کارهایی نیست. الان دارند مظلوم‌نمایی می‌کنند؛ آنچه که در عملیات طوفان الاقصی اتفاق افتاد در حقیقت یک دفاع پیشگیرانه بود و هیبت دروغین رژیم صهیونیستی را در هم شکست. این حمله غافلگیرانه تمام معادلات را بر هم ریخت و نشان داد که توان جبهه مقاومت تا چه اندازه ارتقا پیدا کرده است؛ هم توان اطلاعاتی و هم توان نظامی. سال‌های سال است که دارند جنایت می‌کنند، زندانی می‌کنند، اذیت و آزار می‌کنند، مردم را از خانه‌هایشان بیرون کنند، اما صدای کسی در نمی‌آید؛ این همه شهادی که در این سال‌ها از مردم آن منطقه آمارش را دیده‌اید ... صدای هیچ کدام از این کشورها درنیامد؛ حالا الان همه مدعی شده‌اند که باید در مقابل مثلاً جنایات فلسطینی‌ها ایستاد. الان اینها مدعی حقوق بشر شده‌اند. امروز دوران استانداردهای دوگانه گذشته و مردم به دروغ بودن ادعاهای سردمداران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی پی برده‌اند.

این رژیم جعلی و این غاصبان واقعاً جز زبان زور چیزی نمی‌فهمند؛ آنچه برای اینها گران و سنگین آمده، شکست هیمنه پوشالی آنهاست که به اذعان بسیاری از اهل فن، حاصل شده است. من با تحلیل‌هایی که برای شروع این کار و حمله حماس به فلسطین اشغالی و اسرائیل صورت گرفته، کاری ندارم؛ حالا تحلیل‌ها مختلف است، الان فرصت هم نیست و وارد این بخش نمی‌شوم. اما هر چه بوده، کاملاً کاغذی بودن این ببر را آشکار کرد، پوشالی بودن ادعاهای رژیم اشغالگر قدس را عیان کرد. خودشان را به عنوان برترین و پیچیده‌ترین سازمان اطلاعاتی جهان یا منطقه معرفی می‌کردند، به عنوان قوی‌ترین ارتش و برخوردار از سلاح‌ها و امکانات پیشرفته؛ این حجم از خساراتی که برای آنها پیش آمده واقعاً همان روز اول معلوم بود که اینها دچار شوک شده‌اند و نمی‌توانند تصمیم بگیرند؛ نظام مدیریتی آنها به هم ریخته است. الان هم با حملات کور و وحشیانه به جان و مال مردم مظلوم دارند آسیب می‌رسانند. ان‌شاءالله این طلیعه‌ای باشد که در آینده‌ای نه چندان دور، شرّ این غاصبان از سر امت اسلامی کوتاه شود.

«والحمد لله رب العالمین»